

چاره جویی

درباره کیفیت تولیدات ملی و ضعف مدیریت اقتصادی

محمد علی شاملو،

وکیل دادگستری



▲ مشکل، در ضعف مدیریت است.

سیاسی مملکت هم در آن شرکت دارد، همه چشم دوخته‌اند به آن مقام مسوول سیاسی، و او هم که چندین مسوولیت و مشغولیت سیاسی در سایر ارگان‌ها دارد، به فرض متخصص بودن، نه خودش فرصت تفکر درباره مشکلات این مجتمع را دارد، و نه مشاوران متخصص دارد که او را راهنمایی کنند.

پس چاره چیست؟

شاید چاره یکی این باشد: حال که واحدهای صنعتی تولیدی بزرگ خود قادر به بالا بردن کیفیت تولید نیستند، پس مقامات سیاسی که از نظر مصلحت نظام بر این واحدها نظارت دارند، مدیران متخصص ذیصلاح و کارآمد را در هر یک از مجاری تولید دعوت به تصدی مدیریت کنند، مشروط بر اینکه اولاً، این مدیران متخصص برنامه‌های بالا بردن کیفیت تولید را زیر نظر همان مقامات سیاسی طرح‌ریزی کنند و ثانیاً، آن مقامات سیاسی نیز برای رضای خدا و خلق واقعاً قدری از اوقات و فکر خود را مصروف مجتمع تولیدی تحت نظارت خود نمایند و به این مدیران متخصص دعوت شده امکان فعالیت و اختیار و استقلال عمل بدهند.

البته کاروان چاره‌جویی بالا بردن کیفیت تولید، بار مساله خصوصی سازی صنایع و مراکز اقتصادی و مالی را نیز با خود دارد، و لنگان لنگان پیش می‌رود - البته در رسیدن به مقصود، با توجه به طرز نگرش زعمای قوم در امور اقتصادی و مالی کشور، باید از خداوند استعانت بجوییم.

* روزنامه همشهری

دید و تجربه و بیش اداره واحدهای صنعتی را نداشتند، لذا صنایع را فقط دوشیدند.» حالا می‌خواهند پس مانده همین صنایع بی‌رمق را به بخش خصوصی واگذار کنند.

دلایل مربوط به بالا بودن هزینه تولید و پایین بودن کیفیت کالا در ایران را در دو مجموعه می‌توان طبقه‌بندی کرد: یکی، مربوط به زیر ساخت‌های صنعتی و تولیدی است که خارج از حوزه تصمیم‌گیری مدیران واحدهای تولیدی است و در حوزه‌های سیاسی باز دارنده می‌توان بسافت؛ مجموعه دیگر، مربوط به قوانین و مقرراتی است که دست و پای واحدهای تولیدی را می‌بندد، مثلاً یک کارخانه تولیدی حتی قادر نیست که یک مدیر متخصص کارآمد را به جای مدیر ناشایست فعلی استخدام کند.

رانت خواری نیز یکی از زلوه‌های مکنده قدرت ابتکار و مانع بالا رفتن کیفیت تولید است، به این صورت که وقتی می‌توان سهمیه ارزی یا سهمیه مواد اولیه و غیره را از جریان تولید خارج کرد و «آب کرد»، بدیهی است که استعداد و ابتکار تولید کنندگان به جای سپردن کار به دست مدیران کاردان، متوجه استفاده از آن رانت‌ها می‌شود که نتیجه‌اش هم ثروت‌اندوزی است، نه بالا رفتن کیفیت تولید.

یکی دیگر از موانع بالا رفتن کیفیت تولیدات ملی، تأثیر تصمیم‌گیری‌ها و نظارت‌هایی است که در سطوح بالا و حکومتی بر واحدهای تولیدی اعمال می‌شود. در مجتمع‌های عظیم تولیدی ظاهراً مجمع سهامداران، هیأت مدیره، مدیر عامل، بازرسی و غیره وجود دارند، ولی اینها همه دولتی هستند، لذا در این گونه جلسات که غالباً یکی از مسوولان

نیم قرن پیش یکی از کارکنان صاحبان صنایع ژاپن در مقابل این سؤال که: راز تحول ناگهانی در پیشرفت صنایع و توسعه بازار صادرات محصولات صنعتی ژاپن چیست؟ گفت: بالا بردن عمومی کیفیت تولیدات تا سطح بزرگترین کشورهای صنعتی جهان.»

هموطنان، بخاطر دارند که مدت‌ها پیش در بازارهای مملکت ما کالای ژاپنی جزو مصنوعات نامرغوب و ارزان به حساب می‌آمد، ولی وقتی عقیده آن صاحب‌نظر در صنعت ژاپن تحقق یافت، همین محصولات به رقابت با محصولات مرغوب اروپایی برخاستند و با قیمت‌های مناسب به بازارها عرضه شدند.

ولی در بالا رفتن کیفیت تولیدات ژاپن رازی نهفته است و آن راز هم تبدیل خود مدیران قبلی به مدیران صنعتی عالی است که کارخانجات صنعتی تحت نظارت آنان بکار افتاد. اکنون می‌بینیم که بعضی از صاحب‌نظران نیز به همین حقیقت پی برده‌اند، چنانکه رییس دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه صنعتی شریف به اولیای امور هشدار می‌دهد: «اگر می‌بینیم که مصرف کنندگان ایرانی در موقع خرید، کالای خارجی را بر کالای داخلی ترجیح می‌دهند، نباید تمامی تقصیر را متوجه آنها دانست و به ضعف علائق و عرق ملی در حمایت از تولید داخلی متهمشان کنیم. بخشی از این مشکل به تولید کنندگان بر می‌گردد که نتوانسته‌اند کالایی را با کیفیت و قیمت مناسب تولید کنند، زیرا مشکل در ضعف مدیریت و ناآشنایی اغلب مدیران با دانش نوین مدیریت است.»

در این باره، بارها در مجلات اقتصادی تخصصی بحث شده است، ولی آنچه می‌خواهیم در این مقوله تشریح کنیم، حقیقتی تلخ‌تر است: واقعیت اینست که اساساً در اقتصاد و صنعت، مدیریت به معنای علمی آن نداریم.

ساختار مالکیت بعد از انقلاب متحول شد، واحدهای صنعتی زیادی به نهادها و بنیادها سپرده شدند، در برخی مواقع به قول آقای دکتر مشایخی «سازمان‌هایی با اسم یا فعالیت فرهنگی متصدی این واحدهای اقتصادی شدند که واقعاً